



Language Distance and Dialect Challenges: An Examination of Pronunciation Difficulties in Persian for Chinese Speakers

Seyed Jalal Emam ^۱

Assistant Professor of Persian Language Faculty of Asian and African Studies Xi'an International Studies University (XISU) Xi'an, China

Abstract

Examining the challenges faced by non-Persian learners and striving to simplify the process of learning the Persian language is a necessary endeavor. Today, thousands of individuals in China are engaged in learning Persian; nevertheless, the linguistic distance has confronted these Persian learners with challenges—particularly at the initial stages of their learning journey. The findings indicate that the significant phonological and syllabic distance between the two languages constitutes the primary source of difficulty. The restricted syllabic structure of Chinese, which is predominantly based on the simple consonant-vowel (CV) pattern, stands in stark contrast to the diverse syllabic structures of Persian. This contrast reaches its peak in patterns such as consonant-vowel-consonant-consonant (CVCC), giving rise to conspicuous difficulties in the pronunciation of coda consonants at the syllable-final position. Moreover, the long vowel /v:/ («آ») and the consonant /q/ («ق») have no counterparts within the vowel and consonant inventories of the Chinese language, rendering them unfamiliar to Chinese learners. Additionally, due to the early acquisition of the «Pinyin» system in childhood, when encountering Persian, another difficulty—which can be termed metalinguistic interference—plagues Chinese Persian learners. In the concluding section of this paper, an effort has been made to examine other obstacles, including the influence of geographical region and native dialect of Chinese Persian learners on their learning and pronunciation of Persian vocabulary, and, to the extent possible, to propose solutions for mitigating the aforementioned difficulties.

Keywords: Non-native Consonants, Vowel Structure, Coda Consonants, Mandarin Chinese.

فاصله زبانی و چالش گویش؛ بررسی دشواری‌های تلفظ فارسی برای

چینی‌زبانان

سید جلال امام^۱

استادیار مدرس دانشکده آسیا آفریقا دانشکده مطالعات بین الملل شبان چین.

چکیده

بررسی چالش‌های پیش روی فارسی آموزان خارجی و تلاش برای ساده سازی روند یادگیری زبان پارسی امری بایسته است. امروزه در چین هزاران نفر در حال یادگیری فارسی هستند با این حال فاصله زبانی^۲ این فارسی آموزان را با چالش‌هایی - به ویژه در ابتدای مسیر یادگیری - روبه رو کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که فاصله واجی و هجایی قابل توجه بین دو زبان، منشأ اصلی دشواری‌هاست. نظام هجایی محدود چینی که عمدتاً بر الگوی ساده همخوان-واکه (cv) استوار است، با ساختارهای متنوع هجایی فارسی در تضاد است و این مهم در الگوهای همخوان-واکه-همخوان-همخوان (cvcc) به اوج رسیده به گونه ای که دشواری‌های بارزی در تلفظ همخوان‌های ساکن در پایان هجا پدیدار می گردد. نیز واکه بلند آ، و همخوان «ق» در میان واکه ها و همخوانهای زبان چینی جایگاهی ندارند و زین روی برای آنها ناآشناست. همچنین به دلیل فراگیری زبان «پین-یین» در کودکی، هنگام رویارویی با فارسی، دشواری دیگری که می توان آن را تداخل در سطح فرازبانی^۳ نامید گریبانگیر فارسی آموزان چینی می شود. در بخش پایانی نوشتار تلاش شده تا موانع دیگر از جمله تاثیر منطقه جغرافیایی و لهجه مادری فارسی آموزان چینی در یادگیری و تلفظ واژگان فارسی بررسی و در حد توان راه چاره ای برای آسان سازی دشواری های یاد شده پیشنهاد گردد.

واژه‌های کلیدی: همخوان‌های بیگانه، ساخت واکه، همخوان‌های ساکن، چینی ماندربین

۱. Email: Emamjalal@xisu.edu.cn

۲. language distance

۳. metalinguistic interference

مقدمه

هزاران نفر از چینیان چه به شکل خودآموز و چه در مراکز دانشگاهی در حال یادگیری فارسی‌اند. در جای جای کشور چین، هم اکنون در بیش از پانزده دانشگاه رشته زبان فارسی و فرهنگ ایرانی فعال است که در شمار زیادی از این دانشگاه‌ها دوره چهارساله کارشناسی زبان و فرهنگ فارسی و از این میان در دانشگاه‌هایی کارشناسی ارشد و حتی دکترای زبان و ادبیات فارسی تدریس می‌شود. این زبان آموزان به هنگام فراگیری زبان خارجی، با دشواری‌هایی روبرو می‌گردند؛ گرچه طبیعی است، اما گاه به پدید آمدن دردسرها و دست‌اندازهایی در مسیر یادگیری می‌انجامد و چه بسا به ناامیدی و دست کشیدن از فارسی‌آموزی می‌انجامد.

این دشواری‌ها برخاسته از نایکسانی فرهنگی و فاصله‌زبانی است. فاصله‌زبانی ممکن است کم و یا زیاد باشد و در نوشتار پیش‌روی، برابر نهادن فارسی و چینی، همانا نگاه به دو زبانی است که از ابعاد گوناگون فاصله‌ها و تفاوت‌های زیادی دارند. در اینجا کوتاه فارسی و چینی را برابر نهاده، چند تفاوت پایه‌ای میان آن دو را مرور می‌کنیم؛ تفاوت‌هایی که هر کدام برای پژوهش و بررسی فرصتی جدا می‌طلبند.

از نظرگاه دستور زبان، تفاوت فارسی و چینی تا آن اندازه است که گاه گفته می‌شود چینی اصلاً دستور زبانی ندارد. به عبارت دقیق‌تر، دستور زبان چینی در نحو خلاصه می‌شود و از صرف و تغییرات واژگان آنگونه که در فارسی و عربی است خبری نیست.^۱ از همه مهم‌تر آنکه در زبان چینی فعل دگرگون نمی‌شود؛ و نسبت به فاعل و زمان آن، پایدار است و در واقع چینش و جایجایی واژگان در جای جای جمله است که می‌تواند زمان یک جمله را دگرگون سازد. نتیجه آنکه چینیان در سال و یا سالهای نخست زبان‌آموزی، به سختی می‌توانند دگرگونی‌های پرشمار فعل فارسی را به خاطر سپرده و روان ادا کنند؛ به ویژه اگر فعل به همراه پیشوند و پسوندایش به یک واژه بلند تبدیل شود، بی‌شک برای آنها بسیار سخت‌تر خواهد شد.

دیگر آنکه، چون در زبان چینی ضمیر چسبان وجود ندارد، و نیز از آنجا که ضمیر چسبان و جدا در فارسی در بیش از نود درصد جاها معنایی متفاوت داشته و معنای تمام جمله را تغییر می‌دهند، زین روی دانشجویان چینی در آغاز آشنایی و حتی پس از سالهای فراگیری فارسی، فرق میان آن دو را درک نمی‌کنند و گاه با حفظ کردن الگوهای ثابت تلاش می‌کنند آنها را درست ادا کنند.^۲

یکی دیگر از دلایل فاصله زیاد فارسی و چینی، جمع بستن اسم، صفت، و حتی قید و حرف اضافه و در زبان فارسی و نبود آن در چینی است. در برابری دو زبان فارسی و چینی اگر بگوییم در زبان چینی جمع بستن واژگان اصلاً وجود ندارد هیچ گزاره نیست.^۳ این در حالی است که جمع بستن و به کارگیری جمع در زبان فارسی، نه تنها اسم به روش‌های گوناگون - ها، ان، ات، جات، جمع شکسته - جمع بسته می‌شود که حتی صفات جمع (تعطیلات) و قیدهایی که گاه جمع بسته می‌شوند (بعدها) و چه بسا واژگانی همچون کیا (چه کسانی) و چیا (چه چیزهایی)، و - عجیتر - غلط‌های رایجی همچون آداب‌ها و مراسمات و ... بسیار پرکاربرد و در آغاز راه برای چینیان ناآشنا بوده و فاصله‌زبانی را دوچندان می‌نمایند.

۱. در چینی معاصر نویسه‌ها (کاراکترها) بیشتر به شکل ترکیبی استفاده می‌شوند اما یک نویسه به تنهایی هیچ تغییری در دگرگونی نخواهد یافت؛ اگر بخواهیم با فارسی برابر نهیم مانند واژه کار در کلماتی همچون کاردن، کارپرداز، کارشناس که گرچه هر کدام معنایی متفاوت دارند اما واژه کار تغییری به خود ندیده است.

۲. برای نمونه «به اتاقم رفتم و کیفم را برداشتم و حرکت کردم» را به در ابتدای کار به شکلی که در زبان مادری خود به آن خو گرفته اند ادا می‌کنند که «به اتاق من رفتم و کیف من را برداشتم و حرکت کردم».

۳. در چینی تنها اسم مربوط به انسان (اساتید، دانشجویان، پسران) آن هم با تک نویسه «人» به پین یین «men» و تلفظ فارسی «مین» جمع بسته می‌شود.

اما تفاوت بنیادین دیگری که تلاش داریم در این نوشتار به تفصیل آن را بررسی کنیم، و فاصله میان فارسی و چینی را بیشتر نمایان کرده، واکه‌ها و همخوان‌های بیگانه^۱ و به ویژه همخوان‌های انسدادی^۲ ساکن است. روشن است که یک زبان آموز از کشورهای عربی - به ویژه از خاورمیانه - برای یادگیری فارسی دشواری چندانی ندارد. چرا که فارسی و مثلاً عربی هم در ساختار زبان، و هم پراکندگی همخوانها و واکه‌ها همسانی و نزدیکی‌های بسیاری دارند؛ اما در برابر، یک زبان آموز از شرق آسیا با زبان مادری چینی و برآمده از یک فرهنگ دیگرگون، در آغاز راه کار چندان آسانی برای یادگیری فارسی پیش روی خود نمی‌بیند. می‌دانیم که تمامی واژگان چینی با یک همخوان آغاز می‌شوند و در میانه یا پایان واژه، همخوانی وجود ندارد مگر دو همخوان خیشومی^۳ «ن» و «گ». زبان فارسی شش واکه دارد اما چینی ۳۶ که از این میان هفت تایی آن ساده و ۲۹ تایی آن مرکبند. (میرزایی: ۲۳۰) فارسی از منظر واج‌شناسی عروضی، بیشتر تمایل دارد که از هجای مطلوب و بهینه دومیاری در ساخت کلمات خود بهره‌برد (کرد زعفرانلو: ۱۰۴) این در حالی است که نظام هجایی چینی ماندگار عمدتاً تک‌موریایی است. این تفاوت، درک و تولید ریتم و وزن هجاهای فارسی را برای زبان‌آموز چینی دشوار می‌سازد و می‌تواند به کوتاه‌سازی نادرست واکه یا اضافه کردن بی دلیل واکه بینجامد.

بر پایه پژوهش‌های صورت گرفته^۴ زبان آموز چینی بیشتر از آنکه دانش آموز محور باشد استاد محور است. به همین دلیل شایسته است اساتیدی که به چینیان فارسی یاد می‌دهند از این تفاوت‌های فرهنگی و الگوهای آموزشی زبان آموزان آگاه باشند.

آنچه تلاش شده در این نوشتار برجسته‌تر مطرح شود، ریشه‌یابی ناتوانی در گویش فارسی و تولید واکه‌های دقیق فارسی توسط فارسی‌آموزان چینی است. البته در پایان بر اساس پراکندگی دانشجویان برخاسته از مناطق مختلف جغرافیایی کشور چین و سهم لهجه‌ها و زبان مادری در این ناتوانی مرور شده است.

مطالعه پیش روی برآمده از تجربه نویسنده پس از بیش از ده سال تجربه تدریس زبان، فرهنگ، تاریخ و ادبیات فارسی در دانشگاه مطالعات بین الملل شهر شیان چین، گرد آمده است. این دانشگاه در دوازده سال گذشته بیش از دویست و پنجاه دانشجو پذیرفته که حدود هشتاد درصد از این دانشجویان از نیمه شمالی کشور و بیست درصد دیگر از جنوب و یا از شمالغرب به ویژه سین کیانگ و اقلیت‌های قومی آن می‌باشند.

امید که دست اندرکاران پی ریزی متون آموزشی برای زبان آموزان چینی بتوانند از این نکات بهره‌گرفته و در بهبود آنها کارگر افتد.

۱. نا آشنا برای چینیان (non-native consonants)

۲. stop consonant

۳. nasal consonant

۴. میردحقان مهین ناز، میرزایی برزکی رضا، دهقانی مرضیه، تنوین و ارزیابی درسنامه‌های جامع آموزش زبان فارسی به چینی زبانان در سطح پایه بر اساس چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی، پژوهشنامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۷۰

بیان مسئله و هدف، پیشینه و روش پژوهش

فراهم آوردن متون آموزشی برای فارسی‌آموزان بیگانه، می‌بایست هدفمند و مبتنی بر شناخت دقیق زبان مادری زبان آموز باشد. این مهم گرچه دهه‌هاست در دستور کار اساتید و پژوهشگران قرار گرفته، با این حال، با کاستی‌هایی روبرو است. نوشتار پیش روی بر آن است تا با پژوهش‌های میدانی به عمل آمده پاره‌ای از مشکلات و دشواری‌هایی که بر سر راه فارسی‌آموزان چینی زبان قرار دارد را با ذکر نمونه‌هایی برجسته نماید.

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل نظام‌مند موانع آوایی یادگیری زبان فارسی توسط چینی‌زبانان مبتنی بر داده‌های پژوهش میدانی در کلاس‌های آموزش فارسی در یکی از دانشگاه‌های چین گردآوری و با روش تحلیل خطا در چارچوب نظریه تداخل زبانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

پس از آغاز به کار تدریس فارسی در یکی از دانشگاه‌های چین، رفته رفته مشکلات دانشجویان در ناتوانی یا کم‌توانی گویش دقیق واژگان و تولید واکه‌های فارسی پدیدار گشت. از برجسته‌ترین آنها، همخوان‌های انسدادی همچون «ب، پ، ق» و همچنین واکه کوتاه -و واکه بلند «آ» بوده که به دلیل آشنایی کامل نویسنده به زبان چینی و پس از تمرکز بر این مسئله، سویه‌هایی از ریشه‌های ناتوانی و کم‌توانی دانشجویان برای یادگیری واکه‌ها و واژگان فارسی هویدا شد.

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش بودیم که برای ناتوانی یا کم‌توانی فارسی‌آموزان چینی در آغاز مسیر یادگیری زبان فارسی آیا می‌توان دلیل یا دلایل ریشه‌ای یافت یا خیر؟ اگر آری؛ این دلایل کدامند؟ نیز اینکه آیا راه حل و چاره‌ای برای برطرف‌سازی این مشکلات و یا دست کم آسان‌سازی این دشواری‌ها وجود دارد یا خیر؟

پیرامون آموزش زبان فارسی به چینیان و یا فارسی‌آموزی چینیان و دشواری‌های آن، کم و بیش پژوهش‌های انجام شده و اساتید و پژوهشگران، اندوخته‌های خود را در قالب مقالات علمی منتشر کرده‌اند. از جمله صادقی، وحید، در مقاله‌ای با نام: انتقال آوایی در گفتار فارسی‌آموزان چینی و عربی: مطالعه موردی انفجاری‌های بدنه‌ای منتشر شده در پژوهش‌نامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان بهار و تابستان ۱۳۹۹، به مسئله انتقال آوایی پرداخته است.

موسوی، زهراسادات، گلپور، لایلا، کشاورز، سیمه، تحلیل نارسانویسی املاهای فارسی‌آموزان چینی زبان بر پایه دیدگاه شناختی (پژوهشی) را در نشریه پژوهش‌نامه آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، سال دهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ منتشر نموده‌اند.

با این همه، نوشتار پیش روی که با رویکرد ریشه‌یابی دشواری‌ها انجام گرفته در نوع خود نخستین است.

۱. کوچ از تک‌هجایی به چندهجایی

زبان چینی نظام الفبایی آوایی ندارد و برپایه نگاره نگاری بنا شده است. هر واژه یک نویسه^۱ مربوط به خود را داراست و نویسه‌ها همه تک‌هجایی تلفظ می‌شوند. ناگفته نماند که در زبان فارسی واژگان تک‌هجایی کم نیست و می‌توان به ضمیرهای من، تو، او، ما، و واژگانی دیگر همچون تا، چون، خون، کم، و... اشاره کرد. اما با این حال در زبان چینی تمامی نویسه‌ها -

۱. کاراکتر یا شکلک‌های چینی

چه کوتاه‌ترین آنها که در نگاشت آوایی و بازنویسی با الفبای فارسی به صورت تک حرفی روی کاغذ آورده می‌شوند و چه بلندترین آنها که در نگاشت آوایی و بازنویسی با الفبای فارسی پنج حرفی نوشته می‌شوند - همه تک هجایی تلفظ می‌شوند. جدول زیر پراکندگی تمامی گونه‌ها (از یک حرفی تا پنج حرفی) را به نمایش گذاشته است.

摸 ُم مالیدن	他 َ او	马 َم اسب	拉 َل کشیدن	大 َ بزرگ	یک حرفی
皮 ِ پوست	的 ِ حرف ربط	布 ِ پارچه	酷 ِ عالی	干 ِ انجام دادن	دو حرفی
婚 ِ ازدواج	龙 ِ ازدها	亲 ِ بستگان	滚 ِ غلطیدن	群 ِ گله	سه حرفی
به جدول بعدی توجه کنید					چهار حرفی
江 ِ رودخانه	装 ِ نصب	想 ِ خواستن	亮 ِ روشن	黄 ِ زرد	پنج حرفی

نیز توجه داشته باشیم برخی نویسه‌های چینی - گرچه به مانند تمامی واژگان چینی تک هجایی تلفظ می‌شوند، اما - نگاشت آوایی و بازنویسی آنها با حروف الفبای فارسی - و نه بین - با تنگناهایی روبروست و به ناچار با چهار حرف نوشته می‌شوند. چرا که این نویسه‌ها در تلفظ خود دارای واکه‌های مرکب^۱ یا هجای پیچیده‌ای هستند که در فارسی معادل دقیق تک‌هجایی ندارند.

毛 ِ مو	找 ِ پیدا کردن	道 ِ راه	高 ِ بلند	老 ِ پیر	超 ِ سبقت	扫 ِ جارو کردن	跑 ِ دویدن	绕 ِ دورزدن
-----------	------------------	------------	-------------	------------	-------------	------------------	--------------	---------------

مثلا نویسه 毛 با پین یین mao (نام خانوادگی رهبر چین کمونیست) ناگزیر در بازنویسی فارسی به صورت دوبخشی «مائو» (و سرانجام مائو) و چهار حرفی نوشته و به صورت دو بخشی خوانده می‌شود. پر روشن است که چنانچه به شکل «ماو» یا «مو» و یا حتی «مَو» نوشته شود، گرچه هر سه تک هجایی خوانش می‌شوند، اما باز هم امکان خوانش نادرست از بین نرفته است. حال آنکه در ذهن و گویش یک چینی‌زبان، این نویسه‌های یادشده در بالا، یک هجای واحد و یکپارچه به شمار می‌آیند.

نکته بسیار مهم دیگری که فاصله زبانی را برای ما روشن می‌سازد اینکه ساختار هجایی چینی

به گونه‌ای است که هیچ هجای ساده‌ای با همخوان ساکن^۱ وجود ندارد؛ به غیر از دو حرف خیشومی (N) و (G)؛ آن‌هم در پایان واژه. به عبارت دیگر تلفظ بخش بسیار زیادی از نویسه‌های چینی از الگوی تک هجایی ساده (CV) -یک همخوان و واکه^۲- پیروی می‌کنند و همخوان ساکن در میانه یا پایان واژه وجود ندارد مگر دو همخوان خیشومی «ن» و «گ». وانگهی آنگونه که گفته می‌شود نیروی گفتار در پایان واژگان ضعیف‌تر از آغاز و میان آنهاست (اشرف صادقی ۱۳۸۶: ۱۰) بنابراین می‌توان انگارید که در عمل در زبان چینی همخوان ساکن وجود ندارد. برای نمونه به چند نویسه و تلفظ آنها در جدول زیر دقت نمایید:

نویسه	تلفظ در پین‌یین	ترجمه نویسه به فارسی	تلفظ در فارسی	حرف پایه و صدای پایانی در پین‌یین	توضیح بخش‌های مختلف تلفظ (حرف پایه و صدا) در فارسی
吃	Chi	خوردن	چی	Ch + i	آغاز = چ واکه = ی
铁	Tie	آهن	تییه	T + ie	آغاز = ت صدا = واکه بلند ای، حرف ی و واکه کوتاه -
慢	Man	آهسته	مَن	M + a + n	آغاز = م صدا = آن (واکه - و حرف خیشومی «ن»)
请	Qing	لطفا	چینگ	Q + ing	آغاز = چ صدا = ینگ (واکه بلند «ی» و ترکیب دو حرف خیشومی «ن» و «گ»)

این ویژگی باعث می‌شود که تلفظ واژه‌های فارسی دارای همخوان‌های ساکن - به ویژه الگوی هجایی همخوان-واکه-همخوان-همخوان - برای فارسی‌آموزان چینی با دشواری همراه باشد. برای درک بهتر از اینکه کدام دسته از واژگان فارسی برای آموزان چینی ساده و کدام دشوار است جدول زیر واژگان دربردارنده همخوان (همخوان‌های) ساکن بوده و میزان آسانی یا دشواری تلفظ آنها را به تصویر کشیده است:

^۱. coda consonant

^۲. البته واکه‌ها ممکن است ساده یا مرکب باشد. مثل ته یا تیه، که نمونه‌های آن در ادامه نوشتار آمده است.

واژگان فارسی	میزان دشواری برای یک چینی زبان	بررسی دلیل سادگی یا دشواری
مَن، تَن، سنگ، جنگ، چین، مین، خون، چون	بسیار ساده	وجود تلفظ های همسان در زبان چینی
خشک، جشن، چشم، بزم، تخم، مست، بند، سمت	متوسط	همخوان انسدادی در پایان واژه تلفظ را دشوار کرده اما همخوان کششی یا خیشومی در میان تا اندازه ای دشواری را کاهش می دهد
مبل، عبد، طبل	دشوار	همخوان انسدادی لبی ^۱ (شفوی) در میان و همخوان ساکن در پایان
محو، شهر، رعد، قعر	دشوار	همخوان سایشی چاکتایی در میان
گرد، چرک	دشوار	واکه – و نیز همخوان «ر» در میان و یک همخوان ساکن در پایان
متن، بطن	بسیار دشوار	دو همخوان با واجگاه یکسان و هر دو ساکن
سقف، متر، عقد، مکر، وقت، برق، ابر	بسیار بسیار دشوار	پشت سر هم قرار گرفتن همخوانهای بیگانه (ناموجود در چینی) ساکن و همخوان ساکن

توجه داریم که فارسی‌زبانان نیز واژه‌ای مانند «خشک» را – که در آن همخوان سایشی «ش» قابلیت کشش دارد– آسان‌تر از واژه‌ای مانند «متن» تلفظ می کنند؛ که در آن همخوان انسدادی «ت» فاقد چنین کشش طبیعی است. همانطور که برخی فارسی‌زبانان، همخوان «ت» در واژه لوستر را با واکه زیر «ِ» خوانده و همخوان «ر» را در واژه سورپرایز حذف می کنند.

نیز این را بیفزاییم که آنچه در جدول نمایش داده شد، به گونه ای کوتاه ترین الگوی هجایی (cvcc) دشوار – معمولاً چهار واج- و تا اندازه ای ساده و پرکاربرد می باشند، ورنه واژگان درازی با دو یا سه چالش همزمان همچون «تکرار» و «استقرار» که دربردارنده هخوان ساکن «ک» و «ق»، دو بار حرف بیگانه «ر»، و نیز واکه بیگانه «آ»، می باشند، بی شک برای فارسی آموزان چینی یک واژه بسیار سختتر از آنچه در جدول آمده را پدید می آورد.

بنابراینچه گفته آمد، فارسی‌آموزان چینی در تلفظ واژه‌های تک‌واژ تک‌هجایی فارسی که از الگوی هجایی ساده (C) و (V) پیروی می کنند، اغلب موفق‌تر عمل می کنند. نمونه‌هایی در جدول زیر گردآوری شده که نویسه های چینی و تلفظ آنها دقیقاً همانند فارسی است و فارسی آموز چینی در ادای درست واژگان دشواری ندارد:

^۱ labiodental consonant

واژگان معنادار فارسی	نویسه چینی	پین یین	ترجمه	تلفظ نویسه‌های چینی به فارسی
خون	婚	Hun	ازدواج	خون
بو	不	Bu	نه	بو
زنگ	让	Rang	فعل کمکی	زنگ
چین	亲	Qin	خویشان	چین
سنگ	嗓	Sang	گلو	سنگ

به جز این‌ها، تلفظ شماری از افعال، صفت‌ها و اسامی چندهجایی فارسی نیز برای چینیان کار دشواری نیست. برای نمونه به جدول زیر نگاه کنید:

واژگان فارسی چندهجایی	نویسه چینی	پین یین	ترجمه به فارسی	تلفظ نویسه‌ها (تک‌هجایی) به فارسی
خندیدن	汉+弟+单	Han-di-dan	بی معنا	حَن + دی + دَن
رویدن	如+意+单	Ru-yi-dan	بی معنا	رو + ئی + دَن
کشیدن	卡+是+单	Ka-shi-dan	بی معنا	ک + شی + دَن
زدن	砸蛋	Za dan	تخم مرغ پرتاب کردن	زَ دَن
کندن	看单	Kan dan	به لیست نگاه کردن	کَن دَن
سوزن	速+赞	Su-zn	بی معنا	سو + زَن
سُرنگ ^۱	所让	Suo-rang	بی معنا	سُ + زَنگ

ریشه این پدیده را می‌توان در سازگاری ساخت هجایی این واژگان با الگوهای مجاز در زبان چینی جستجو کرد. هر هجای تشکیل‌دهنده این واژگان از یک الگوهای ساده (CV/CVC) پیروی می‌کند (یعنی یک همخوان به دنبال یک واکه، و گاهی یک همخوان خیشومی در پایان). این الگو دقیقاً منطبق بر ساختار یک نویسه چینی است که در گفتار به صورت یک هجای مستقل و بسته تلفظ می‌شود.

۲. تأثیر زبان پین یین

برای روشن شدن ریشه دشواری‌های تلفظ و تولید واکه، نیاز است تا ویژگی‌های زبان مادری چینیان و روند یادگیری آن را مروری کوتاه داشته باشیم. از آنجا که یادگیری نویسه‌های چینی حتی برای نوآموزان (کودک و) چینی نیز دشوار است، چینیان از سده گذشته با بهره‌گیری از حروف انگلیسی، زبان میانه‌ای را سامان داده‌اند تا بتوان تلفظ نویسه‌های چینی را روی

۱. اگرچه فارسی نیست اما در فارسی بسیار پرکاربرد است

کاغذ آورد. این زبان واسطه یا میانه ای را «پین یین»^۱، به چینی (拼音) می نامند. برای نمونه نویسه یا کاراکتر (大) که تنها یک شکل است و هیچ الفبایی ندارد، و به صورت «د» تلفظ می شود، با حروف انگلیسی (D) حرف پایه / صامت یا همخوان، و (A) به شکل (da) صدا / مصوت نوشته می شود^۲. بنابراین یک نوآموز چینی می بایست در آغاز راه یادگیری زبان «پین یین»، حروف الفبای انگلیسی را یاد بگیرد. نیز از آنجا که حروف انگلیسی محدودیت هایی داشته و تمام نیاز تلفظ نویسه های چینی را برآورده نمی کند، برخی از حروف انگلیسی در زبان پین یین تلفظ اصلی خود را از دست می دهند. برای نمونه جدول زیر برخی از آنها را نشان می دهد.

حرف انگلیسی	تلفظ در انگلیسی	تلفظ در فارسی	تلفظ در زبان پین یین	نویسه در بردارنده حرف	تلفظ نویسه به صورت کامل در پین یین	تلفظ نویسه به صورت کامل در فارسی	ترجمه نویسه به فارسی
X	اکس	ایکس	ش	新	xin	شین	نو / جدید
Q	کیو	کیو	چ	骑	Qi	چی	راندن
E	ئی	ئی	بین «آ» و «ئی»	恶	E	بین «آ» و «ئی»	شر / بدی

به مانند الفبای فارسی که هر کدام به نامی خوانده می شوند، (مثلا: الف، جیم، واولو، کاف ...)، حروف انگلیسی نیز چنینند. (مثلا: اف، پی، ایس، کیو، زد....). اما مسئله اینجاست که تلفظ اسامی یاد شده برای حروف انگلیسی - که نمونه های آن گذشت - در زبان «پین یین» هیچ جایگاهی ندارند؛ بلکه چون چینیان از کودکی به تلفظ تک هجایی خو گرفته اند، اسامی الفبای زبان بیگانه ای همچون انگلیسی - و در فرض نوشتار حاضر، فارسی - به شکل تک هجایی آموخته و تلفظ می شوند. به همین خاطر، نخستین چالشی که چینیان به هنگام یادگیری فارسی روبرو می شوند، دقیقا برخاسته از همین الفبای انگلیسی است چرا که آنها به نوعی مجبور به بازآموزی نظام نام گذاری حروفند. جدول زیر تا اندازه ای می تواند این تفاوت ها و دلیل روی آوردن به عدم استفاده از تلفظ اصلی اسامی الفبای انگلیسی را به نمایش بگذارد:

حرف انگلیسی	تلفظ در انگلیسی و فارسی	تلفظی که در زبان پین یین استفاده می شود:	نویسه ای که تلفظ آن دقیقا همانند حرف انگلیسی باشد	تلفظ نویسه در زبان پین یین	ترجمه فارسی	دلیل به کار نبردن نام اصلی انگلیسی
P	پی	پُ	破	Po	پاره کردن	تلفظ به شکل «پی» می تواند ناظر به نویسه ای باشد که زنده، رکیک و یا بی ادبانه باشد

^۱ pīn yīn

^۲ البته زبان پین یین گسترده تر از اینهاست و شامل نُن های چهارگانه و ... می شود که به آنها نیازی نیست و از آنها می گذریم.

B	بی	بُ	薄	Bo	لطیف و نازک	تلفظ به شکل «بی» می تواند ناظر به نویسه ای باشد که زنده، رکیک و یا بی ادبانه باشد
f	ف	فُ	佛	Fo	بودا	گرچه تک هجایی است اما تلفظ «ف» ساکن برای چینیان دشوار است.
M	ام	مُ	摸	Mo	مالیدن	گرچه تک هجایی است اما تلفظ «م» ساکن برای چینیان دشوار است.
L	ل	لُ	کاراکتری که به تنهایی تلفظ آن را نمایندگی کند در چینی وجود ندارد	Elo	-	دو هجایی است اما تلفظ «ل» ساکن برای چینیان دشوار است

یک چینی فارسی آموز، هنگامی که با الفبای فارسی روبرو می‌شود، حرف «پ» - در نمونه ای که در جدول گذشت - آن را به چهار دلیل به شکل «پُ» (با واکه بر) می‌خواند؛

۱- تلفظ «پُ» برای یک چینی زبان بسیار راحت است. دقیقاً تلفظ نویسه (破皮) به معنای پاره کردن است.

۲- تلفظ «پی» می‌تواند ناظر به تلفظ نویسه ای با معنای منفی (رکیک) باشد.

۳- به هنگام یادگیری زبان پین یین، «p» را به شکل «پُ» یاد گرفته و به آن عادت کرده است.

۴- پس از این خواهیم گفت که چگونه که ما ایرانیان در دبستان همه حروف را با صدای زیر (بِ پِ تِ چِ ...) می‌خوانیم و می‌شناسیم برای چینیان چندان ساده نیست.

زیر تأثیر همین روند یادگیری پین یین آمیخته به زبان مادری، در سالهای نخست یادگیری فارسی، هرجا هر یک از همخوان‌های لبی (شفوی) - آمده در جدول - به شکل ساکن در پایان یک واژه باشد - همچون واژگان توپ، چوب، کلام، تیم، و ... - یک فارسی آموز چینی ناخواسته آنها را با واکه بر (ُ) به شکل توپ، چوب، کلام، تیم و ... می‌خواند.

۳. واکه بلند «آ» و واکه کوتاه زیر (ـِ)

شاید شگفت‌آور باشد که از میان شش واکه اصلی فارسی، تولید صحیح واکه «آ» (/ɑ:/) حتی برای بسیاری از عرب‌زبانان - که واکه‌های کشیده‌ای همانند دارند نیز- دشوار باشد چه برسد به چینی‌ها. این چالش ناشی از تفاوت‌های ظریف آواشناختی و عادت زبانی است. زین

۱. البته واژگانی که به همخوان سایشی «ف» و «و» (کیف، دیو و ...) پایان می‌یابند برای نسل جدید ساده‌تر تلفظ شده و کمتر با واکه ُ صدا دار می‌شوند.

روی، چینی‌ها در ابتدای راه یادگیری فارسی، تلفظ واژگانی همچون سلام، ایران، مادر و ... با دشواری روبرو هستند و در نخستین روبرویی سه واژه یاد شده به شکل سَلَم، اِیرون و مُدَر شنیده می‌شود. دانشجویان ورودی دوره کارشناسی در نخستین هفته‌های یادگیری فارسی، واژگان «موندن» و «خوندن» را بهتر ادا می‌کنند تا «ماندن» و «خواندن».

افزون بر این گویشوران چینی واژه کوتاه «اِ» را چندان ساده فرا نمی‌گیرند. در حالی که «اِ» و «اِ» در میان تک‌هجایی‌های ساده زبان چینی وجود دارد و بسیار روان ادا می‌شود، واژه کوتاه «اِ» اما در واژه‌های ساده تک‌هجایی چینی نیستند، اگر چه در واژه‌های مرکب چینی وجود دارند. به همین دلیل پیش از این گفتیم که تلفظ اسامی الفبای فارسی به شکل اول دبستان برای فارسی‌آموزان چینی قدری شگفت است. در جدول زیر نمونه‌ای از این سه واژه آورده شده است:

واکه	نویسه	پین ین	تلفظ فارسی	ترجمه
اِ	她	Ta	تَ	او
اِ	破	Po	پُ	پاره کردن
اِ	وجود ندارد			
اِ	切	Qie	چیِه	بریدن
اِ	赔	Pei	پِی	خسارت دادن

۴. همخوان‌های بیگانه (ر، ق، خ)

اگرچه گونه‌ی سَبْک و رقیقی از همخوان «ر» در برخی واج‌گونه‌های چینی وجود دارد، اما تلفظ «ر» با ویژگی‌های خشن و کشیده‌ی خاورمیانه‌ای - که در فارسی و عربی رایج است - در دستگاه آوایی چینی‌زبانان بیگانه است و در نخستین برخورد ممکن است به عنوان یک شبه‌صدا یا حتی به گونه‌ای تولید صدایی برای شوخی به گوش برسد.

جالب توجه آنکه در درس شنیداری، بخش در خور توجهی از زبان آموزان، دو حرف «ر» و «ل» را جابجا شنیده و نوشته‌اند. برای نمونه از بیست و سه نفر دانشجوی زبان آموز ترم سه در دوره کارشناسی، در کلاس شنیداری چهارده نفر حرف «ل» در واژه کوله‌پشتی را «ر» شنیده و آن را به شکل کورپشتی یا کرپشتی نوشتند. نیز در همین درس، پنج نفر از آنها حرف «ر» در واژه مُسری را «ل» شنیده و وجه‌های نادرستی از آن شامل مثلی، مصلی، و مسلی نوشتند.

برای کاهش این چالش می‌توان در گام نخست از همتایان سبک‌تر این واج از زبان انگلیسی (مانند r/ در «door» یا «run») بهره گرفت و سپس با ورود تدریجی به نمونه‌های فارسی، تلفظ استاندارد را آموزش داد.

به جز همخوان «ر»، همخوان‌های حلقی سه‌گانه شامل «ق»، «غ» و «خ» نیز برای چینی‌ها - به‌ویژه در مراحل آغازین یادگیری - دشواری درخور توجهی ایجاد می‌کند. پیش از این اشاره کردیم که همخوان‌های بیگانه اگر ساکن باشند، دشواری بیشتر در پی خواهند داشت. برای آموزش همخوان‌های «غ» و «ق»، می‌توان راه کارهایی ارائه داد؛ از همه مهمتر اینکه

آموزش این دو به گونه گام به گام پی گرفته شود؛ از آنجا که «غ» ماهیت سایشی دارد؛ درک جایگاه تولید آن (ملازه) ساده تر می نماید و می توان با بهر گیری از همانندسازی آوای غرغره آب نمک، زبان آموز را یاری داد.

پس از آشنایی زبان آموز با این همخوان، آموزش همخوان «ق» با تأکید بر ویژگی انسدادی (غیرسایشی) آن دنبال می شود و تفاوت آوایی کلیدی میان این دو - یعنی قابلیت «کشش» (prolongation) در همخوان سایشی «غ» و ویژگی انفجاری (non-continuant) «ق» - به گونه ای روشن بیان می شود. این توالی آموزشی از اصل «ساده به پیچیده» پیروی کرده و از ایجاد تداخل آوایی جلوگیری می کند.

همخوان «خ» در فارسی از نظر جایگاه تولید در زبان چینی ماندارین هم وجود دارد و هم وجود ندارد. تجربه نویسنده در آموزش این همخوان نشان می دهد که می توان با ارجاع زبان آموز به دو تلفظ متفاوت از نویسه دارای «h» در خود زبان چینی، تلفظ درست آن را ساده سازی کرد: معمولاً در زبان چینی چنین است که واژه «你好» (nǐ hǎo) «سلام» صدای «h» به صورت «ح» (همخوان سایشی حلقی) تلفظ می شود؛ حال آنکه در واژه «河南» (Hé nán) نام یک استان «h» به صورت «خ» (همخوان سایشی ملازی) ادا می گردد. با یادآوری این تفاوت درونی به زبان آموز، او در می یابد که در زبان مادری خود نیز با هر دو واج آشناست و در نتیجه از احساس روبرویی با یک سیستم آوایی کاملاً بیگانه کاسته می شود. با این حال، تلفظ «خ» فارسی که با خراشیدگی مشخص حنجره ای همراه است، حتی با آگاهی از این همانندی، برای بسیاری از زبان آموزان چینی دشوار باقی می ماند.

۵. همخوان همزه و «ی»

گفته آمد که در زبان چینی واژگان (تلفظ نویسه ها) با یک همخوان (صامت) آغاز می شود و در ادامه واکه یا واکه ها واژه را می سازند، تک هجایی ادا می شوند و در میانه یا پایان واژه خبری از همخوان دیگری - به جز «ن» و «گ» - نیست. زیر تأثیر آموزش زبان بین بین، علاوه بر آنچه پیش از این گذشت، واژگان فارسی آغاز شده با همزه مانند «او»، «اون» برای یک فارسی آموز چینی در ابتدای مسیر آموزش قابل بازشناسی و درک دقیق آوایی نیست. برخی از این زبان آموزان در نخستین جلسات درس، ناخودآگاه دو واژه یاد شده را به شکل «وو» و «وون» ادا می کنند و به عبارت دقیقتر، یک همخوان «و» - در بین «W» - به ابتدای واژه اضافه می کنند. به جز این، در آغاز واژه «این» همخوان «ی» به بین «Y» را اضافه کرده به شکل «یین» تلفظ می کنند. نیک می دانیم که واژه «این» در فارسی، با همخوان همزه آغاز شده؛ در حالی که یک چینی زبان راحتتر است آن را همانند نویسه به بین یین yin به معنای «چاپ کردن»، به شکل «یین» تلفظ نماید. دلیل آن برخاسته از پیشینه و درک زبان آموز از همخوان «ی» یا «Y» در زبان بین یین است.

راه چاره آموزش افزودن همخوان همزه در آغاز، ارجاع دادن دانشجو به نویسه هایی همچون () به بین یین «e» می باشد که تقریباً به شکل آ (چیزی بین آ و) تلفظ می شود. گرچه همخوان همزه و بلکه همخوان «ع» آنگونه که در فارسی انفجاری^۲ ادا می شود در چین نیست،

۱. شکل گفتاری ضمیر «آن»

۲. plosive/stop consonants

اما نویسه یادشده تا اندازه ای همانند بوده و می‌توانند نمونه خوبی برای آموزش قرار گیرد.

۶. جغرافیا و لهجه مادری چینیان

مردمان باشند در جای جای چین توانایی یکسانی در تلفظ واژگان و تولید واکه‌های شش گانه فارسی را ندارند؛ در یک نگاه کلی با توجه به بررسی‌های میدانی نویسنده بر روی فارسی آموزان ده سال گذشته در دانشگاه مطالعات بین الملل شهر شیان چین، از نظرگاه لهجه و زبان مادری و توانایی در یادگیری فارسی و تلفظ واژگان و تولید واکه‌های فارسی می‌توان به سه دسته تقسیم نمود.

شمال؛ نیمه شمالی چین یعنی از مرز فرضی کوهستان چین لینگ به بالا. چینیان از دیرباز این کوهستان را مرز شمال و جنوب چین می‌دانستند. شهرهای مهمی که برخی از آنها برای ما ایرانیان شناخته شده شامل پکن، دالیان، شیان و لن‌جو، در این قسمت قرار دارند.

جنوب؛ بخش جنوبی کوهستان چین لینگ اما شامل شهرهای معروفی همچون شانگهای، ووهان، چُنْگ چینگ، چُنْگ دو، ایالت کانتون و شهرهای معروف آن گوانگجو (گوانجو) و شِن جِن (شنزن) می‌باشد.

شمالغرب؛ ایالت سین کیانگ و اقلیت‌های قومی هم‌ریشه با اقوام منطقه آسیای میانی که زبان مادری آنها فاصله زیادی با زبان چینی ماندین داشته و از سویی نزدیکی بیشتری با فارسی دارند و در زبان روزمره امروزی آنها نه تنها الفبای فارسی بیگانه نیست که واژگان فارسی نیز بر سر زبان آنهاست.

بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد شمالی‌های چین بهتر از جنوبی‌ها می‌توانند فارسی یاد بگیرند و تلفظ واژگان پیچیده، چند بخشی و دربردارنده همخوانهای ساکن برای جنوبی‌های چین بسیار دشوارتر است. برای نمونه تلفظ واژه «ممنون» در آغاز راه‌فراگیری برای یک چینی اهل جنوب، چه بسا بسانِ «مَن‌نو» شنیده شود. این در حالی است که در زبان چینی واژه «مَن» و «نو» بسیار پرکاربرد است. نمونه دیگر واژه «خوبم» در ابتدای راه‌یادگیری به شکل دو هجایی «خو-بَن» شنیده می‌شود، چرا که هم تلفظ «خو» و هم تلفظ «بَن» در زبان چینی وجود دارد و زبان آموز با آنها آشناست؛ اما همخوان «م» آن هم ساکن؛ هرگز.

۷. ترکیب واحدهای آوایی در نوشتن و خواندن

زبان چینی به گونه ای است که چینی‌ها در فرایند سوادآموزی از کودکی تلفظ یک نویسه را به یاد می‌سپارند و تقریباً با ترکیب واحدهای آوایی مجزا بیگانه اند. زبان آموزان چینی، اگر با واژه جدیدی از زبان دومی که دارای الفباست روبه‌رو شوند، کمتر تلاش می‌کنند تا حروف را یکایک پشت سر هم چیده تا واژه خوانده شود. دلیل آن خوگرفتن به ارتباط تصویری به نویسه هاست، و این عادت تا اندازه زیادی در ابتدای مسیر فارسی‌آموزی نیز وجود دارد و به کاهش سرعت خوانش می‌انجامد^۱. اما به هر روی در زبانهای با نظام الفبایی، مهارت ترکیب آگاهانه الفبا نیز در فرد پرورش می‌یابد و در همان سال نخست رویارویی با واژگان زبان دوم از این مهارت خود بهره می‌برد و به چیدن الفبا کنار هم روی می‌آورد. چیزی که زبان آموز چینی تا اندازه

۱. البته شایسته است اشاره کنیم که در زبان‌هایی با نظام الفبایی همچون فارسی نیز افزایش مواجهه با واژگان است که از هر واژه تصویری در حافظه دیداری شخص ذخیره می‌شود؛ در دراز مدت ذهن به هنگام دیدن واژگانی (مفاهیم انتزاعی) همچون «سرمخوردگی» یا «ارتقاعات» همان عملکردی را داراست که با دیدن تصویر مثلاً «هندوانه» یا «روسی».

زیادی از آن بی بهره بوده و به هنگام یادگیری زبان دومی همچون انگلیسی یا فارسی آن را فرا می‌گیرد. کم نیستند دانشجویانی که به هنگام شنیدن یک واژه فارسی، واژه را همزمان با آواخوانی، با انگشت روی کف دست خود بازنویسی کرده، تا شاید از راه تصویری آن را بازشناسند. هر آنچه از دشواری‌ها و چالش‌گویی‌ها برشمردیم در عرصه نوشتاری زبان آموز نیز تأثیر می‌گذارد. نه تنها در فارسی سخن گفتن (گفتاری) یک فارسی آموز چینی را با چالش روبرو می‌کند که به هنگام نوشتن (نوشتاری) نیز دچار همین چالش‌هاست.

نتیجه و نظر

آنچه در نوشتار پیش روی گذشت، بررسی چالش‌هایی بود که به دلیل فاصله زبانی پیش روی فارسی آموزان چینی است. چالش‌هایی که برخی از آنها ناگزیر و اجتناب‌ناپذیرند و راه چاره و روش درمانی ندارند. با این حال با هم افزایی تجربه‌های اساتید و آموزگاران می‌توان تا اندازه درخور توجهی، این چالش را برطرف و فاصله زبانی را کوتاه‌تر نمود.

آنگونه که خانم «لی شیانگ»^۱ کتاب آموزشی «دوره آموزش زبان فارسی» را پی‌ریزی کرده و تلاش نموده در ترم نخست تنها دو فعل «بودن» و «داشتن» را آموزش دهد شاهدی بر همین ماجرای فاصله زبانی است. این کتاب که تالیف آن به بیش از سی سال پیش باز می‌گردد، در دو جلد سی درسی سامان یافته که پانزده درس نخست جلد اول به حروف الفبا، فعل‌های بودن و داشتن را آموزش می‌دهد و از درس شانزدهم به بعد - ترم دوم دوره کارشناسی - زبان آموزان چینی کم‌کم وارد گود دگرگونی فعل در زمان‌های گوناگون می‌شوند چرا که دگرگونی فعل در زبان چینی بیگانه است.

به نظر می‌رسد که پرهیز از واژگان دشوار - به ویژه همخوان‌های انسدادی ساکن - و روی آوردن به تک‌هجایی‌ها می‌تواند فارسی را زبانی ساده و قابل یادگیری جلوه دهد.

در پایان اینکه فاصله زبانی میان فارسی و چینی از ابعاد دیگری نیز شایسته بررسی است که برخی از آنها در ابتدای نوشتار اشاره شد. حذف مجهول ساز از جملات چینی، نایکسانی فعل‌های پرکاربرد داشتن، رفتن و آمدن در دو زبان فارسی و چینی از دیگر مواردی است که فرصتی جدا برای بررسی می‌طلبد.

امید است که دستاوردهای چنین مطالعاتی آموزگاران و اساتید - ی که مسئولیت آموزش فارسی به چینی‌زبانان را به دوش دارند و احیاناً با زبان چینی بیگانه و ناآشنا هستند - را با چالش‌ها، ریشه‌ها و عوامل تأثیرگذار در این چالش‌ها آشنا نماید و بلکه راهکاری برای برطرف سازی آنها اندیشیده شود.

منابع

- عمده‌گردآورده‌های این نوشتار تجربه شخصی در آموزش؛ و همچنین پژوهش‌های میدانی در گفتگو با زبان‌آموزان چینی بوده است.
- اشرف صادقی، علی، تحول کلمات فارسی در دوره اسلامی، ادب پژوهی، شماره ۱، ۱۳۸۶
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه، واج‌ارایی با کلمات فارسی با ساخت هجایی (C)V.CVC(C)، دوماهنامه جستارهای زبانی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۵
- میردهقان مهین‌ناز، میرزایی برزکی رضا، دهقانی مرضیه، تدوین و ارزیابی درسنامه‌های جامع آموزش زبان فارسی به چینی‌زبانان در سطح پایه بر اساس چارچوب مرجع آموزش زبان فارسی، پژوهشنامه‌ی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان، سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صفحه ۱۷۰
- میرزایی برزکی، رضا، بازدار، تهمینه، بررسی چند ویژگی نظام آوایی زبان چینی، نقد زبان و ادبیات خارجی، بهار و تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱۴